**جناب آقا فرج**

در جميع اين موارد با آقا ابوالقاسم همدم و همقدم بود و چون در عراق عجم غلغله ظهور نيّر اعظم شنيد زلزله بارکان افتاد زمرمه آغاز نمود هلهله گويان بعراق عرب شتافت و جد و طرب يافت بساحت قدس در آمد و در محفل انس داخل شد بشرف حضور مسرور گشت و ببشارت موفور بسلطان آباد رجوع نمود \* اهل کين در کمين عاقبت نائره فساد شعله زد و حضرت پاک و مقدّس ملّاباشی با يارانی چند در نهايت مظلومی شهيد شدند \*

آقا فرج با آقا ابوالقاسم متواری گشتند بارض سرّ شتافتند عاقبت با ياران در معيّت يار مهربان بزندان عکاء افتادند \* آقا فرج در سجن اعظم بشرف خدمت جمال قدم فائز دائم ملازم آستان بود و تسلّی دوستان \* در ايّام جمال مبارک خادم صادق بود و ياران را رفيق موافق و همچنين بعد از صعود مبارک بر عهد و ميثاق ثابت و در بوستان بندگی نخلی باسق \* اين شخص بارع صادع بجميع حالات قانع و در موارد بلا صابر \*

باری، در کمال ايمان و ايقان و توجّه بملکوت رحمن رحلت از اينجهان نمود و مظهر الطاف بی‌پايان بود \* عليه الرّحمة و الرّضوان و عليه التّحيّة فی جنّة الرّضوان و عليه الثّناء فی فردوس الجنان \*